

Indigenous Knowledge of Watermill among the People of Dashkasan Village with an Emphasis on Development and Tourism

Ammar Ahmadi 

PhD student in Anthropology, Department of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Vahid Rashidvash * 

Assistant Professor, Department of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Yaghoub Sharbatian 

Assistant Professor, Department of Anthropology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

Introduction

Preserving indigenous knowledge has become increasingly essential due to rapid generational changes in the modern era. Furthermore, the global focus on development—particularly sustainable development—and the critical role of the tourism industry in contemporary daily life have motivated us to explore these three fundamental and modern issues in the context of Dashkasan village.

Accordingly, we aim to leverage these core themes—indigenous knowledge, sustainable development, and tourism—for the intellectual, cultural, and industrial advancement of Dashkasan's residents. This research can pave the way for deeper anthropological studies and inspire transformative perspectives on rural life.

The core focus of this research is the relationship between indigenous knowledge, the tourism industry, and environmental conservation, particularly the preservation of the natural ecosystem in Dashkasan's rural area. This is a global concern that leading researchers at major universities are addressing. Additionally, this research aims to contribute to the preservation of Dashkasan's unique ecosystem and promote environmental awareness among its residents, fostering a deeper understanding of conservation practices and ecological structures.

Corresponding Author: rashidvash@yahoo.com

How to Cite: Mohammadi, M; Rahimnia, R; Moazezi Mehr-e-Tehran, A. M. (2025). Indigenous Knowledge of Watermill among the People of Dashkasan Village with an Emphasis on Development and Tourism, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 11(22), 213-250.

Literature Review

Rural tourism is a longstanding phenomenon. Turner introduced rural tourism as a recreational and social activity in the late 18th century in England, although rural areas had been used for leisure activities before then. However, participation in these activities was largely restricted to the upper classes of society. Until the Industrial Revolution in the mid-18th century, relatively few people had the opportunity or desire to engage in travel and tourism due to its slow, arduous, and often dangerous nature. Traveling to rural areas was especially challenging. It wasn't until the development of railway networks in the 1850s that Europe and America became interconnected, significantly improving access.

The Industrial Revolution brought transformative changes to human societies. In Iran, where rural areas have historically held significant cultural and demographic importance, rural tourism dates back to the dawn of civilization. Visitors would travel to these areas for specific purposes rooted in traditions and societal needs, reflecting an early form of tourism.

Materials and Methods

This study adopts a fundamental-applied approach in terms of purpose and employs a qualitative and ethnographic design. Descriptive research explores the nature of a phenomenon, seeking to understand and systematically describe its current state, features, and attributes. Where necessary, it also examines relationships between variables.

The study area is Dashkasan village, located in Meshginshahr, Ardabil province. Fieldwork—including interviews, note-taking, and photography—was conducted from 2019 to 2022. The study population consists of residents with in-depth knowledge of traditional watermill operations and stone-carving techniques. Sampling was guided by the principle of theoretical saturation. Unlike probability sampling methods, which aim to generalize findings from a representative sample to an entire population, qualitative research focuses on providing detailed and comprehensive insights into a specific phenomenon.

Conclusion

This study was initiated to identify and preserve valuable indigenous knowledge. It highlights the unique expertise of the Dashkasan community, examines its connection to the tourism industry, and explores its potential role in rural development. Additionally, the research emphasizes the preservation of indigenous knowledge as a form of cultural heritage, facilitating its introduction to other regions and cultures.

Grounded in Malinowski's functionalist theory of needs, the study demonstrates how the traditional watermill industry and the indigenous knowledge of "Diyarmanchaliq" meet both the biological and cultural needs of Dashkasan's residents. The manifest function of this industry, as observed in the daily lives of the village's residents, underscores its role in generating income and fostering economic prosperity. Beyond its economic benefits, the traditional watermill approach contributes to cultural identity and continuity within the rural community.

By integrating environmental conservation, efficient water usage, and sustainable agricultural practices, this study argues that the development of indigenous knowledge through tourism can provide traditional communities with a renewed global identity. In other words, the connection between the lives of the people of this village and the issue of the environment, the proper use of water, and green productivity in the use of agricultural water and even drinking water in the development of indigenous knowledge in the form of tourism development in this village can give a new global identity to the traditional community.

Keywords: Indigenous Knowledge, Water mill, Dasheksan, Development, Tourism, Millstone, Village, Traditional Water Industries, Traditional Milling Industries



دو فصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران
دوره یازدهم، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ص ۲۱۳-۲۵۰
qjik.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjik.2025.79035.1420

دانش بومی آسیاب آبی بین مردم روستای داشکسن با تأکید توسعه و گردشگری

دانشجوی دکتری مردم شناسی، گروه مردم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عمار احمدی 

استادیار مردم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

وحید رشیدوش * 

استادیار مردم شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

یعقوب شربتیان 

چکیده

صنعت گردشگری پدیده‌ای باستانی در جوامع انسانی بوده که به مرور زمان در مراحل تاریخی مختلف به موضع اقتصادی، اجتماعی و اکولوژی خود دست یافته است. گردشگری روستایی نیز جزئی از صنعت گردشگری به حساب می‌آید که می‌تواند با برنامه‌ریزی اصولی و مناسب و شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌های گردشگری روستایی نقش موثری در توسعه این مناطق و در نتیجه توسعه ملی و تنوع بخشی به اقتصاد ملی بر عهده داشته باشد. موضوع مهم و هدف اساسی در این پژوهش، دانش بومی و رابطه آن با مسئله توسعه گردشگری در روستای داشکسن شهرستان مشکین شهر استان اردبیل است. چارچوب نظری تحقیق استوار است بر استفاده از مکتب کارکردگرایی با تکیه بر نظریه نیازها و مکتب ساختارگرایی. روش تحقیق این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع کیفی، به لحاظ عمق از نوع تحقیق ژرفانگر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها عبارتند از: کتاب‌ها، مقاله‌ها علمی و پژوهشی، اطلس‌ها و نقشه‌های جغرافیایی، دوربین فیلم‌برداری، دوربین عکاسی، دستگاه ضبط صدا و مصاحبه، فیش و دفترچه یادداشت. نتیجه این پژوهش به یافته‌های سنتی دانش بومی آسیاب‌های آبی سنتی (دییرمان و دییرمانچلیق) و ساختار و کارکرد امروزی آن بین مردم این روستا و رابطه آن‌ها با توسعه گردشگری در روستای داشکسن می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، توسعه، گردشگری، روستا، داشکسن

مقدمه

از آنجایی که جمعیت زیادی از کشورهای در حال توسعه در روستاهای آن ساکن هستند. دستیابی به توسعه در این کشورها در گرو توجه به توسعه در روستاهای آن می باشد به طوری که عدم توجه به مسائل و مشکلات روستاها می تواند عدم دستیابی به توسعه را در این کشورها به دنبال داشته باشد. رسیدن به توسعه روستایی را نیز می توان در گروی استفاده بهینه از نتایج تحقیقات و یافته های علمی و از سوی دیگر توجه به دانش بومی روستاییان به عنوان یکی از سرمایه های غنی و با ارزش هر کشوری دانست. در واقع می توان گفت دانش بومی به دلیل مستمر بودن، حفظ تعادل محیط زیست، منطبق بودن با فرهنگ مردم، مشارکتی بودن، متکی بودن بر نیازها و در دسترس و ارزان بودن، می تواند کمک فراوانی به روستاها در دستیابی به توسعه این مناطق داشته باشد.

در این میان توجه به این نکته ضرورت دارد که به دلیل توجه بیش از حد برنامه ریزان توسعه به دانش نوین و یافته های آن، نقش دانش بومی کمرنگ شده است و همین امر خسارت های جبران ناپذیری را به وجود آورده است. با توجه به این اگر که بی توجهی به دانش بومی در بسیاری مواقع، عدم همکاری روستاییان و دارندگان این دانش را به همراه داشته است، در صورت استفاده از دانش بومی مردم می توان مشارکت و همکاری آنان را نیز جلب کرد. در واقع به دلیل اینکه دانش رسمی و یافته های آن از یک سو در درک نیازهای و علایق مردم روستایی توانایی لازم را ندارند و از سوی دیگر به دلیل وارداتی بودن، قابلیت پیاده کردن در شرایط روستا را ندارند، لزوم استفاده از دانش بومی آشکار می شود به طوری که در این میان دانش بومی می تواند به کمک دانش رسمی بیاید و ضعف ها و مشکلات آن را پوشش دهد.

هرچند دانش بومی و رسمی از بعضی جهات تفاوت ها و در بعضی موارد شباهت هایی با یکدیگر دارند، لیکن تفاوت های این دو دانش به معنی در مقابل هم قرار گرفتن آنها نبوده و از طریق تلفیق این دو دانش می توان، موفقیت های بسیاری را در دستیابی به توسعه روستایی که یکی از ارکان مهم توسعه پایدار است، کسب کرد.

با توجه به ضرورت حفظ دانش بومی به خاطر دگرگونی نسلی که در عصر جدید هم سرعت گرفته است و همچنین ضرورت بحث علمی بروز جهان، یعنی توسعه حتی توسعه پایدار و مسئله بسیار مهم صنعت گردشگری در زندگی روزمره انسان امروزی بر آن شدیم که این سه مسئله مهم و اساسی و مدرن امروز جهان را در زندگی داشکسن پیش بگیریم. بر این اساس می‌توانیم از این سه مسئله اساسی در زندگی اجتماعی مردم روستای داشکسن نهایت استفاده را در جهت پیشرفت فکری و صنعتی این مردمان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ببریم. این تحقیق می‌تواند راه را برای تحقیقات عمیق مردم‌شناسی بعد خود هموار کرده و باعث تحول در نگرش زندگی مردم این روستاها باشد.

مسئله اساسی این تحقیق مسئله دانش بومی و صنعت گردشگری و ارتباط آن با محیط‌زیست و حفظ اکوسیستم طبیعی منطقه روستایی داشکسن است. مسئله‌ای که امروزه تمام جهانیان درگیر آن هستند و محققان بزرگ در دانشگاه‌های بزرگ دنیا برای این مسئله راهکار ارائه می‌دهند. این پژوهش هم می‌تواند به نوبه خودش در حفظ طبیعت و اکوسیستم منحصربه‌فرد این روستا کارکرد خودش را ایفا نماید. و تا حد امکان در آگاهی دادن به انسان‌های این منطقه در خصوص حفظ ساختار بوم‌شناسی و شناخت دقیق محیط‌زیست و فرهنگ نگهداری آن کمک نماید.

اهمیت این موضوع فقط مطالعه و شناخت دانش‌های کهن و قدیمی مردم این منطقه نیست، بلکه پرداختن به مسئله توسعه گردشگری و حتی توسعه پایدار گردشگری و نقش دانش‌های بومی در توسعه گردشگری روستایی از جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی مسئله جذب توریسم (گردشگر) به این منطقه می‌تواند حائز اهمیت باشد. در اهمیت این موضوع باید گفت که توسعه پایدار، مفهومی است که به واسطه پیامدهای منفی زیست محیطی و اجتماعی ناشی از رویکردهای توسعه یک جانبه اقتصادی پس از انقلاب صنعتی و تغییر نگرش بشر به مفهوم رشد و پیشرفت پدید آمده است.

این مفهوم تلاش دارد که با نگاهی نوبه توسعه، اشتباهات گذشته بشری را تکرار نکند و توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن را رقم بزند. توسعه پایدار فرآیندی است که آینده‌ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد. توسعه پایدار راه‌حلی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه ارائه می‌دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. توسعه پایدار فرآیندی است که در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی، با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.

ایده‌های قدرتمند دیگری نیز از نوظهوری عصر ما حکایت دارند. زمین‌شناسان برجسته برای توصیف عصر حاضر اصطلاح «آنتروپوسین»^۱ را وضع کرده‌اند که ریشه یونانی دارد و متشکل از دو عبارت آنتروپو به معنای ساخت بشر و سین به معنای جدید است.

دوره آنتروپوسین دوره بی‌سابقه و کنونی زمین است که در آن تغییرات فیزیکی زمین عمدتاً تحت تأثیر فعالیت‌های بشر بوده است. بوم‌شناسان پیشرو، ایده محدودیت‌های کره زمین^۲ را مطرح کرده‌اند تا به توضیح محدودیت‌هایی بپردازند که اگر رعایت نشوند، فعالیت‌های بشر، زمین را در شرایطی غوطه‌ور می‌کند که الگوهای آن ناشناخته و خطرناک است: دچار شدن به اختلالات آب و هوایی ناشناخته، از دست دادن تنوع زیستی و تغییر در سیستم شیمی هوا، زمین و اقیانوس‌ها از جمله پیامدهای نادیده گرفتن محدودیت‌های کره زمین است. هر دوی این مفاهیم کلیدی (آنتروپوسین و محدودیت‌های کره زمین) واقعیت‌های عصر جدید توسعه پایدار را توصیف می‌کنند (ساکس، ۱۳۹۴: ۸).

1. Anthropocene

2. Planetary boundaries

هدف اساسی این تحقیق شناخت دانش بومی آسیاب آبی سنتی که شغل اکثریت مردم این روستا در گذشته نه‌چندان دور بود و نقش آن در توسعه گردشگری روستای داشکسن است. در این مقاله با یک سؤال کلی و اساسی روبرو هستیم و آن این است: دانش بومی آسیاب آبی در زمان گذشته در بین مردم روستای داشکسن چگونه رواج داشته و احیای این دانش، امروزه چه ارتباطی با توسعه گردشگری این روستا می‌تواند داشته باشد؟

مروری بر ادبیات موضوع

بنا بر نظریات رابرت چمبرز دانش بومی^۱ در اصطلاح به دانشی اطلاق می‌شود که از حوزه جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته و به‌طور طبیعی تولیدشده باشد. به عقیده وارن (۱۹۹۱) و فلاویر (۱۹۹۵) دانش بومی دانش محلی و خاص یک فرهنگ یا جامعه معینی است که پیوسته تحت تأثیر تجارب درونی اجتماع و همچنین در نتیجه ارتباط با نظام‌های بیرونی از خلاقیت و نوآوری برخوردار بوده است. گیرتز (۱۹۸۳) نیز در کتاب خود به نام دانش محلی، دانش بومی را به نام دانش کاربردی جمعی و عمیق که ریشه گرفته از مکان خاص است تعریف می‌کند. دانش محلی زمینه‌ای، کل‌نگر و منطبق با محیط است و به‌صورت غیررسمی انتشار پیدا کرده است (وئوقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹).

دانش بومی که به وسیله وارن و کشمن مطرح شد عبارت از مجموع تجربه و دانشی است که یک جامعه در برخورد با مشکلات آشنا و ناآشنا به دست آورده و آن را اساسی برای تصمیم‌گیری‌ها و چالش‌های خود قرار داده است. دانش بومی ریشه در تجربه قرن‌های گذشته دارد و تا وقتی که جامعه پابرجاست، به عنوان پایه فرهنگی و فنی آن به تکامل خود ادامه می‌دهد. دانش بومی دانشی است که مردم به آن اعتقاد دارند و آن را در طول زمان در جامعه خود توسعه و بهبود بخشیده‌اند.

دانش بومی بر اساس تجربه است و غالباً در طول زمان آزمون می‌شود.

این دانش با فرهنگ محلی و محیط زیست سازگار شده است. بنابراین از پویایی و کارایی لازم نیز برخوردار است. دانش بومی زمینه های مساعدی را برای توسعه فراهم می آورد. دویس، دانش بومی را به پره های یک پرند تشبیه می کند. یعنی از زمانی که پرند پر درمی آورد، پرواز را می آموزد. دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزش ها، روش ها و آگاهی های محلی آنان را در برمی گیرد و حاصل قرن ها آزمون و خطا در محیط طبیعی و اجتماعی است، غالباً به صورت شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل بعد منتقل می شود (عمادی و اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۲).

بنا بر تعاریف ذکر شده، مهم ترین ویژگی دانش بومی عبارت است از: بر پایه تجربه استوار است - در طول قرن ها با کار روی آن آزمون می شود و جنبه کاربردی پیدا کرده است - با محیط و فرهنگ بومی سازگار است - پویا و در حال دگرگونی است (بوزرجمهری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷).

دانش بومی در اذهان و فعالیت های افراد ذخیره و از طریق داستان ها، سرودها، ادبیات شفاهی (فولکلور)، ضرب المثل ها، افسانه ها، ارزش های فرهنگی، باورها، مراسم، قوانین اجتماعی، زبان و طبقه بندی های محلی، کارهای کشاورزی، ابزار و اثاثیه، مواد، گونه های گیاهی و پرورش حیوانات بیان می شود. دانش بومی به صورت شفاهی و به وسیله نمونه های خاص از طریق فرهنگ به دیگران انتقال داده می شود. اشکال بومی ارتباطات و سازمان اجتماعی برای فرآیند تصمیم گیری محلی و نیز حفظ و نگهداری، توسعه و گسترش دانش بومی، نقش حیاتی دارند (احمدرش، دانش مهر، ۱۳۹۴: ۱۳).

تاکنون تعریف های گوناگونی و فراوانی از سوی دست اندرکاران درباره دانش بومی پیشکش شده است که هر کدام، از دیدگاهی ویژه این دانش را مورد توجه قرار می دهند. ویلیامز و موچینا^۱ به نقل مک کلور^۲ دانش بومی را این گونه تعریف کرده اند که دانش بومی همانا شیوه های یادگیری، فهم و نگرش به جهان است که نتیجه سال ها تجربه و مسئله گشایی بر پایه آزمون و خطا، از سوی گروه هایی از مردم در حال فعالیت می باشد که

1. Williams and Muchena
2. McClure

داده‌های طبیعی در دسترسشان را در پیرامون خود به کار برده و تجربه کرده‌اند (همزه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۰).

گردشگری یا توریسم^۱ روستایی، یکی از اجزای مهم صنعت گردشگری و نیروی اصلی در زمینه بهبود و رشد اقتصادی روستاها محسوب می‌شود. گردشگری روستایی با ایجاد فرصتی راهبردی سبب تنوع اقتصاد محلی شده و با ایجاد فرصت‌های شغلی مولد، مبتنی بر قابلیت‌های موجود در روستا، موجب افزایش سطح رفاه، استانداردهای زندگی، درآمد و امنیت در روستا می‌شود. همچنین سبب ثبات و نگهداشت جمعیت در روستا، پیشگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه، حفظ تعادل اکولوژیک و منابع طبیعی، حفظ بافت سنتی و ویژگی‌های فرهنگی روستا می‌شود. بر این مبنا می‌توان گفت که یکی از بهترین راه‌های نجات روستا از مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و رسیدن به عدالت اجتماعی و جغرافیایی، توسعه و گسترش گردشگری روستایی است.

گردشگری روستایی می‌تواند منافع فراوان اجتماعی و اقتصادی را برای نواحی روستایی از راه افزایش درآمد و بهبود زیرساخت‌ها به‌ویژه در نواحی حاشیه‌ای و کمتر توسعه‌یافته به همراه آورد. همچنین می‌تواند با تقویت ساختار اقتصادی و اجتماعی به رشد اقتصادی نواحی روستایی کمک کند. از دیدگاه وسیع‌تر می‌توان گردشگری روستایی را دربرگیرنده دامنه‌ای از فعالیت‌ها و خدمات مربوط به تفریح و آرامش گردشگران دانست که به‌وسیله کشاورزان و مردم روستایی برای جذب گردشگران به مناطق خود و به‌منظور کسب درآمد صورت می‌گیرد (نجفی پور، ۱۳۹۸: ۴۴).

تحولات بعد از جنگ جهانی دوم، از جمله در زمینه‌های گسترش شهرنشینی و ایجاد شهرهای بزرگ، آلودگی محیط‌های شهری و نیز افزایش اوقات فراغت منجر به گسترش گردشگری روستایی شده است. بحث توریسم مخصوصاً توریسم روستایی با توجه به گسترش روزافزون آن در سرتاسر جهان، یک بحث استراتژیک بوده و موضوعی است که اثرات مثبت و منفی خود را دارد. گرچه نمی‌توان به خاطر اثرات منفی توریسم، از نکات

مثبت و منافع بسیار آن چشم‌پوشی کرد. توریسم در محیط روستا نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار روستایی ایفا می‌کند. چرا که توسعه روستایی پایدار عبارت است از وحدت میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی به‌منظور بالا بردن سطح معیشت، کیفیت زندگی و رفاه مردم روستایی است.

در توسعه روستایی پایدار توجه به عوامل زیست‌محیطی از اهمیت بسیاری برخوردار است. از دیدگاه کمیسیون جامعه اروپایی در سال ۱۹۸۶، توریسم روستایی تنها شامل کشاورزی نیست، بلکه همه فعالیت‌های گردشگری در مناطق روستایی را شامل می‌شود. به کلیه فعالیت‌های گردشگری که در محیط‌های روستایی با توجه به فرهنگ و بافت سنتی روستا، هنر و صنایع روستایی، آداب و رسوم سنتی که دربرگیرنده گردشگری کشاورزی، گردشگری سبز، گردشگری مزرعه‌ای، گردشگری غذایی و... است گردشگری روستایی می‌گویند (از کیا، ۱۳۹۴: ۳۱۷).

گردشگری روستایی یک پدیده بسیار قدیمی است. در این زمینه، ترنر در حالی گردشگری روستایی را به‌عنوان یک فعالیت تفریحی-اجتماعی، در نیمه دوم قرن هجدهم در انگلستان معرفی کرد که قبل از آن هم مناطق روستایی مورد استفاده فعالیت‌های تفریحی قرار گرفته بود. اما شرکت در این فعالیت‌های تفریحی محدود به اقشار برتر جامعه بود. تا اوایل نیمه دوم قرن هجدهم یعنی تا انقلاب صنعتی افراد نسبتاً کمی ابراز و یا حتی میل و تصمیم به سفر و گردشگری داشتند، مسافرت بسیار کند، سخت و اغلب مسئله خطرناک بود و مسافرت به روستاها یک مسئله دشوار بوده است. تا اینکه در دهه ۱۸۵۰ توسعه خطوط راه‌آهن سراسر اروپا و آمریکا را به هم وصل کرد.

انقلاب صنعتی تحولات قابل توجهی در جوامع بشری به وجود آورد. در ایران نیز با توجه به آداب و رسوم ایرانیان و وجود اکثریت جمعیت در مناطق روستایی می‌توان گفت که گردشگری روستایی در ایران از زمان شکل‌گیری تمدن و ایجاد شهرها شکل گرفته و گردشگران در این زمان به منظورهای خاصی به این نواحی مسافرت می‌کرده‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت که صنعت گردشگری، صنعت نوپایی در ایران است که هنوز در

ابتدای کار خود می‌باشد و گردشگری روستایی نیز که جزء کوچکی از این صنعت به حساب می‌آید، هنوز جایگاه خود را در برنامه‌ها و طرح‌های گردشگری به دست نیاورده و هنوز به عنوان یک صنعت درآمدزا و کارا و صنعتی بدون آلودگی، به آن نگرسته نمی‌شود (نجفی پور، ۱۳۹۸: ۵۲).

توسعه^۱ در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). بروکفیلد در تعریف توسعه می‌گوید: توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم. مصطفی از کیا در نتیجه‌گیری خود از بحث توسعه، توسعه را به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف می‌کند (از کیا، ۱۳۸۲: ۲۹۰).

با توجه به اینکه در کارهای کیفی عموماً از چارچوب نظری خاصی استفاده نمی‌شود، به عنوان فانوس و نشانگر راه از این مبانی نظری به جای چارچوب نظری استفاده می‌گردد. تا بدین وسیله به کمک آنها بتوان به تحلیل و تفسیر مردم‌شناختی مناسبی دست یافت، از جمله آنها عبارت‌اند از: استفاده از مکتب کارکردگرایی^۲ مالینوفسکی خصوصاً نظریه نیازها «نظریه نیازهای مالینوفسکی نقش کلیدی در رویکرد کارکردی او نسبت به فرهنگ دارد. که بیانیه‌ای نظری است که فرد و جامعه را به هم مرتبط می‌کند و یک مفهوم ساده است: وجود فرهنگ برای برآوردن نیازهای اساسی بیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی فرد است. اما اگر ما درک درستی از عقاید مالینوفسکی در مورد کارکرد، سلسله مراتب نیازها و نقش نمادگرایی نداشته باشیم و چارچوب فکر اندیشه مالینوفسکی را نادیده بگیریم، این نظریه بسیار ساده‌انگارانه به نظر خواهد رسید.

-
1. Development
 2. Functionalism

مالینوفسکی دریافت که اشکال فرهنگی کارکردهای ساده و فردی ندارد. او می نویسد که هیچ نهاد فرهنگی نمی تواند با یک نیاز اساسی و حتی به عنوان یک قانون با یک نیاز ساده فرهنگی به صورت کارکردی مرتبط باشد به عبارتی فرهنگ نمی تواند یک کپی از مجموعه ای از واکنش های خاص به نیازهای بیولوژیکی خاص باشد. در عوض او معتقد بود که نهادهای فرهنگی پاسخ های منسجم به نیازهای مختلف هستند و او برای نشان دادن این نیازها از نوعی نمودارهای خاص استفاده کرد» (مور، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

به باور مالینوفسکی نیازها پیش از هر چیز به موجودیت بیولوژیک انسان بازمی گردد. بنابراین نخستین رده از نیازهای، نیازهایی هستند که میان انسان ها و سایر جانوران مشترک اند. نیازهایی همچون تغذیه، تولیدمثل و غیره. این نیازها، پاسخی سازمان یافته از سوی انسان دریافت می کنند که در قالب فرهنگ تبلور می یابد. این نظریه مالینوفسکی را بر اساس کتاب «یک نظریه علمی درباره فرهنگ»^۱ می توان به صورت شکل زیر ترسیم کرد:

- الف..... ب
- نیازهای اولیه..... پاسخ های فرهنگی
۱. سوخت و ساز (متابولیسم)..... ۱. معیشت
 ۲. تولیدمثل..... ۲. خویشاوندی
 ۳. رفاه جسمی..... ۳. سرپناه
 ۴. امنیت..... ۴. محافظت
 ۵. تحرک..... ۵. فعالیت
 ۶. رشد..... ۶. آموزش و پرورش
 ۷. تندرستی..... ۷. بهداشت

در نتیجه نیازهای بیولوژیک یک انسان، به صورت فرهنگی ارضا می‌شوند. اما تأکید مالینوفسکی بر آن است که ارضای این نیازهای رده اول، سبب ایجاد نیازهایی ثانویه می‌شود که آنها را نیازهای اشتقاقی یا الزامات فرهنگی نام می‌نماید و در واقع نیاز به ایجاد نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند و انسان را باز هم وارد سازمان‌یافتگی فرهنگی بیش‌تری می‌کنند؛ و سرانجام پس از پاسخ یافتن نیازهای رده دوم، گروه‌سومی از نیازها ظاهر می‌شوند که مالینوفسکی آن‌ها را نیازهای انسجام‌دهنده و روحی می‌نامد (فکوهی، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

استفاده از نظریه کارکردگرایی خصوصاً نظریه نیازهای کارکردگرایی مالینوفسکی در این پژوهش می‌تواند کور راه‌های زیادی را روشن و آشکار سازد. برای مثال دانش بومی خاص روستای قارا درویش که تولید نمد مخصوص آلاچیق‌های عشایر شاهسون و... است بر طبق نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی هم می‌توانیم بعد نیازهای بیولوژیکی و هم بعد فرهنگی مردم این منطقه را مورد تحلیل و تفسیر مردم‌شناختی قرار دهیم. که در هر دو حالت نشان‌دهنده کارکرد مهم این دانش بومی در این منطقه و حتی در مناطق دیگر می‌باشد.

استفاده از مکتب ساختارگرایی^۱ به همان صورت که در کارکردگرایی با یک کل، اجزای تشکیل‌دهنده آن و رابطه خاص آن اجزا با یکدیگر و با کل روبه‌رو بودیم؛ در اینجا نیز با یک نظام ساختمند، اجزای آن و روابط ساختاری روبه‌رو هستیم. در واقع کارکرد یعنی ساختاری پویا شده، و ساختار یعنی شکل ایستای یک کارکرد. در کارکردگرایی، پدیده به عنوان جزئی از یک فرایند درک می‌شود یا بهتر بگوییم به عنوان یک حرکت در فضا؛ و در ساختارگرایی به عنوان جزئی از یک شکل یا یک واقعیت در فضا. اما در هر دو نظریه، درک شکل بدون توجه به کارکرد و درک کارکرد بدون توجه به شکل ممکن نیست.

مفهوم ساختار در ابتدا به معنی ساختار برونی است، یعنی شکلی قابل دید و مشاهده مستقیم. اما این مفهوم به تدریج به ساختار درونی نیز تعمیم می‌یابد. ساختار درونی برخلاف ساختار برونی مستقیماً قابل مشاهده نیست، بلکه صرفاً از طریق پیامدها و نتایج آن درک می‌شود (فکوهی، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

استفاده از نظریه ساختارگرایی همچون کارکردگرایی در این پژوهش از اهمیت اساسی برخوردار است. برای مثال در تبیین ساختار پوشاک عشایر شاهسون در دانش بومی روستای تکله خصوصاً ساختار فرمی پوشاک زنان عشایر این روستا (تأکید به پوشاک زنان عشایر به این خاطر است که دانش بومی ساختار پوشاک مردان عشایر شاهسون تقریباً از بین رفته است) هم می‌توانیم به ساختار بیرونی و هم به ساختار درونی این دانش بومی نزد زنان عشایر این روستا پردازیم. همچنین می‌توانیم به تأثیر ساختار بیرونی این پوشاک بر ساختار درونی آن در دانش بومی و نیز ارتباط آن با مسئله گردشگری و توسعه روستایی نزد زنان عشایر شاهسون این روستا اشاره کنیم.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به لحاظ هدف از نوع بنیادین-کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع کیفی و مردم‌نگارانه است. در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارد و هم جنبه بنیادی؛ در بُعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود. در بُعد بنیادی به کشف حقایق و واقعیت‌های جهان خلقت می‌انجامد.

در این روش تحقیق کیفی از تکنیک مشاهده همراه با مشارکت برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌گردد. دנرین این روش را چنین تعریف می‌کند: مشاهده همراه با

مشارکت را می‌توان استراتژی‌ای برای مطالعه میدان تعریف کرد که هم‌زمان تحلیل اسناد و مدارک، مصاحبه با پاسخگویان و افراد مطلع، مشارکت و مشاهده مستقیم و درون‌نگری را با یکدیگر تلفیق می‌کند (بوزرجمهری، ۱۳۸۲: ۷).

مشخصه بارز این روش آن است که محقق بی‌هیچ مقدمه و تدارکی مستقیماً وارد میدان می‌شود. مشاهده محقق از منظر یک عضو انجام می‌شود اما درعین حال مشارکت محقق بر آنچه مشاهده می‌کند تأثیر می‌گذارد. گشودگی یا باز بودن در مواردی که داده صرفاً بر اساس برقراری ارتباط با فرد مورد مشاهده گردآوری می‌شود، از نقش حیاتی برخوردار است. از این روش معمولاً برای مطالعه خرده‌فرهنگ‌ها استفاده می‌شود.

مکان تحقیق یا به عبارتی میدان مصاحبه این پژوهش روستای داشکسن شهرستان مشکین شهر استان اردبیل می‌باشد و زمان شروع تحقیق و ضبط مصاحبه‌های، فیش‌برداری، عکاسی و... از سال ۱۳۹۸ شروع و تا سال ۱۴۰۱ ادامه داشت. جامعه آماری اهالی روستای داشکسن که در دانش بومی آسیاب آبی و نحوه سنگ‌تراشی و درست کردن آن شناخت کافی دارند. در حجم نمونه از روش اشباع نظری^۱ استفاده خواهد شد. برخلاف روش‌های نمونه‌گیری احتمالی که در آنها هدف تعمیم نتایج از یک نمونه معرف جامعه به کل جامعه موردپژوهش است در پژوهش‌های کیفی چنین هدفی مدنظر نیست و معیار توصیف یا تبیین یک پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن است.

بنابراین معیاری معرفی می‌شود که در آن رسیدن به حداکثر اطلاعات در مورد پدیده به‌عنوان نقطه پایان در نظر گرفته می‌شود. این معیار در زمینه پژوهش‌های کیفی، اشباع نامیده می‌شود. اشباع داده یا اشباع نظری رویکردی است که در پژوهش‌های کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری مورداستفاده قرار می‌گیرد. اشباع نظری با نمونه‌گیری نظری که در تئوری زمینه‌ای یا داده بنیاد مورداستفاده قرار می‌گیرد ارتباط نزدیک‌تری دارد. به معنای دقیق‌تر باید گفت که خصوصیات یک دسته یا طبقه تئوریک به اشباع رسیده است. این

حالت زمانی رخ می‌دهد که داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگ‌تر شدن یا اضافه شدن به تئوری موجود به پژوهش وارد نشود.

در این وضعیت داده جدیدی که به پژوهش وارد می‌شود طبقه‌بندی موجود را تغییر نمی‌دهد یا پیشنهادی برای ایجاد طبقه جدید ایجاد نمی‌کند، یعنی در حقیقت طبق نظرات اشتراوس و کوربین این مقولات هستند که به اشباع می‌رسند.

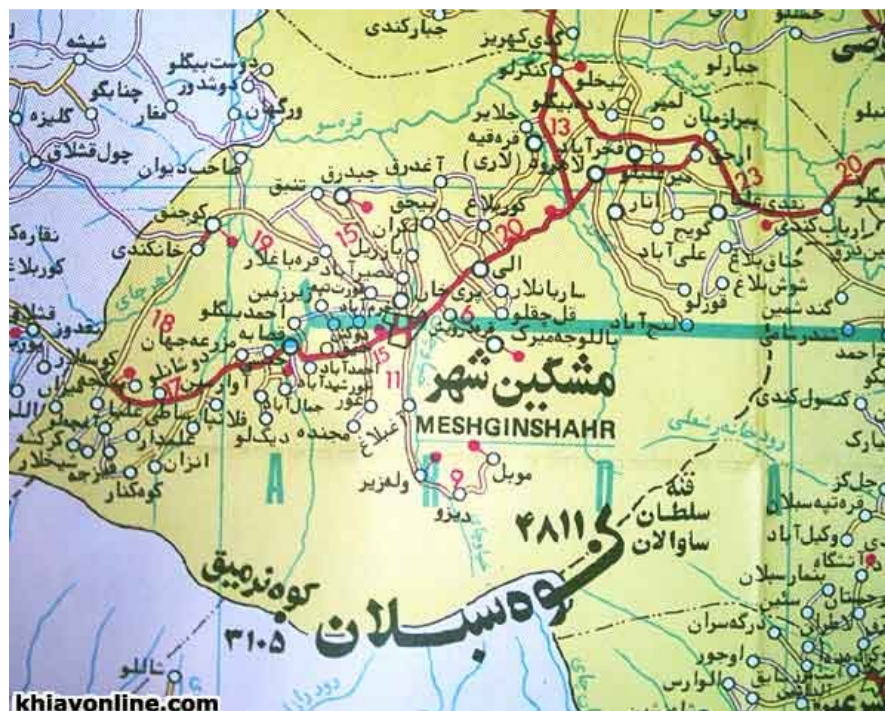
بیر در سال ۲۰۰۸ و هم اسمیت در سال ۲۰۰۹ بیان کردند که دلیل به وجود آمدن این روش نیاز احساس شده از طرف پژوهشگران کیفی بود. با توسعه روش‌های کیفی تلاش‌ها برای نظام‌مند کردن روش‌ها و مشخص کردن معیارهای قابل تبیین افزایش یافت. به این ترتیب استفاده از روش اشباع داده در انواع استراتژی‌های پژوهش‌های کیفی مورد استفاده قرار گرفت و به عنوان استاندارد طلایی پایان نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی در نظر گرفته شد. هرچند که این روش ابتدا در گراند تئوری مورد استفاده قرار گرفت اما بعدها در سایر استراتژی‌های پژوهش کیفی که مبنای تئوری‌پردازی نیز نیستند با نام اشباع داده استفاده شد. طبق یک تعریف، زمانی که تمام منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار بگذارند به اشباع رسیده‌ایم که تعداد افراد مصاحبه‌شونده در این پژوهش ۱۵ نفر می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی روستای داشکسن

داشکسن^۱ روستایی از دهستان لاهرود، بخش مشکین شرقی، شهرستان مشکین شهر استان اردبیل است. بنا بر فرهنگ جغرافیایی ایران در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی مشکین شهر و در ۱۵ کیلومتری جاده مشکین به اردبیل واقع شده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت این روستا ۳۲۴ نفر با ۷۱ خانوار بوده است (جدی، ۱۳۹۹: ۲۲۴).



عکس ۱- موقعیت جغرافیایی شهرستان مشکین شهر (https://fa.wikipedia.org).

وجه تسمیه روستای داشکسن

در وجه تسمیه روستای داشکسن باید به وجود معدن سنگ و غارهای ایجاد شده در معادن آبادی اشاره کرد. این روستا از دو واژه داش و کسن ترکیب یافته است. داش به فارسی سنگ و کسن به فارسی برنده که در برگردان به سنگ برنده معنی می‌دهد. این اسم نشان از تمدن و صنعت این آبادی دارد که در روزگاری دستان صنعتگر و ماهر که در صیقل دادن و برش سنگ‌های سخت و خشن ایجاد شکلی زیبا و لطیف ورزیده شده بود طوری که چرخ‌های کلیه آسیاب‌های آبی آذربایجان به اتکای هنر این هنرمندان می‌چرخیده است (پورایمان، ۱۳۸۰: ۱۷۴).



عکس ۲- دورنمای از روستای گردشگری و پر از معادن سنگ آسیاب داشکسن مشکین شهر.

ساختار و کارکردهای ابزارهای آسیاب سنتی ساخت دست اهالی داشکسن:

۱- دایرمان داشی^۱ (سنگ آسیاب)

همچنان که از وجه تسمیه روستای داشکسن (سنگ تراشان) هم پیداست، مردان این روستا از قدیم الایام به شغل سنگ تراشی مشغول بودند. سنگ آسیاب از سخت ترین نوع سنگ گرانیت درست می شود، که کوه های بالای این روستا در دامنه ساوالان پر است از معادن این سنگ. شغل اغلب مردان این روستای کوه پایه سنگ تراشی و سنگ بری آن هم با ابزار اولیه چون تیشه و کلنگ می باشد، که امروزه به دو دلیل این دانش بومی به دست فراموشی سپرده شده است.

1. Dəyirman Daşı

«دلیل اول سختی و به صرفه نبودن این دانش و شغل بود که دیگر نسل جدید به آن رو نیاوردند. دومین دلیل که در مصاحبه‌ها و تحقیق میدانی مشخص شده است، این است که به خاطر عدم رعایت نکات بهداشتی و کار طاقت فرسا آن هم در داخل معادن غار شکل این سنگ‌ها، اغلب استادکاران این شغل و دانش بومی جوان مرگ شده‌اند و از سن طبیعی هشتاد سال مردم این روستا بهره نبرده‌اند و اغلب در سنین میانسالی در اثر سرفه‌های خونین و ریه‌های خسته جان خودشان را از دست داده‌اند» (اروجی، ۱۴۰۱: یادداشت ۱).



عکس ۳- عکسی از داخل غار مخصوص سنگ تراشی آسیاب در روستای داشکسن
(عکاس: پژوهشگر. ۱۳۹۹).

نحوه تراش و برش این سنگ‌های معدنی سخت اینگونه بود که مردان استادکار این دانش بومی روزها و بلکه ماه‌ها در معادن مخصوص این سنگ‌ها با کلنگ مخصوص و

دانش بومی آسیاب آبی بین مردم روستای داشکسن با...، احمدی و همکاران | ۲۳۳

تیشه مخصوص این کار با نیروی دست و بازو تلاش می کردند و این سنگ ها را در ابعاد تقریباً یک متر مربع از دل صخره جدا کرده و آن را به صورت دایره شکل می تراشیدند و از وسط آن سوراخ مخصوص سنگ آسیاب باز می کردند.

«این سنگ ها بعد از آماده شدن یا در آسیاب روستای داشکسن و یا در آسیاب روستاهای دیگر کاربرد داشت. حال هر روستایی متناسب اکوسیستم طبیعی خود این سنگ ها را در آسیاب آبی یا بادی یا حیوانی استفاده می کردند. در اغلب روستاها خصوصاً روستای داشکسن مکانی که در آن آسیاب قرار می گرفت درمان بوینو^۱ (گردنه آسیاب) می گفتند. این روستاها و اغلب روستاهای اردبیل به خاطر وجود رودها و آب های دامنه ساوالان از آسیاب آبی استفاده می کردند و در برخی از مناطق خاص این استان در قدیم از آسیاب بادی یا حیوانی استفاده می شد که قابل توجه نبودند» (عسکری، ۱۴۰۰: یادداشت ۲).



عکس ۴- عکسی از بیرون غار مخصوص سنگ تراشی آسیاب در روستای داشکسن
(عکاس: پژوهشگر. ۱۳۹۹).

۲- تیره جی^۱

چوبی کلفت و محکم که از تنه درخت گیلاس و توت درست می‌شد و کاربرد آن برای بردن و حمل و نقل این سنگ‌های آسیاب سنگین بود. روستای داشکسن معدن اصلی سنگ‌های آسیاب سرتاسر استان اردبیل بود و هر روستایی که می‌خواست دانش بومی آسیاب آبی را راه‌اندازی کند، سنگ آن را از این روستا تهیه می‌کرد. «در زمانی که هنوز ماشین‌آلات سنگین برای این کار در دسترس اهالی این روستاها نبود برای بردن این سنگ‌ها از گاو نر استفاده می‌کردند. چون این سنگ‌ها در دل غارهای کوه‌های بلند بود، برای همین نمی‌توانستند گاری یا چیزی شبیه گاری را برای حمل این سنگ‌ها بالای کوه و داخل معدن ببرند، برای همین تنه‌های بزرگی از چوب درخت گیلاس یا توت می‌بریدند و چندتای این تنه‌ها را با خود به داخل معدن می‌برند. وقتی سنگ آسیاب را روی این تنه‌های غلطان قرار می‌دادند، آن را به گاوهای نر متصل می‌کردند. با حرکت گاو نر سنگ آسیاب هم روی این تنه‌ها کشیده می‌شد و یکی دو نفر مأمور بود تا هر تنه درختی که از زیر سنگ خارج می‌شد، دوباره آن را برداشته و به جلوی سنگ آسیاب هدایت می‌کردند. این کار باعث می‌شد که این تنه‌ها نقش چرخ را برای بردن بار سنگین بازی می‌کرد» (اروجی، ۱۴۰۱: یادداشت ۳).

۳- دیرمان^۲

دهیرمان یا دیرمان هم نوشته و معنی فارسی آن آسیاب می‌باشد. دگیرمانچی^۳ دهیرمانچی یا دیرمانچی هم نوشته و معنی فارسی آن آسیابان می‌باشد (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۵۶۳). اغلب دیرمان‌های روستای داشکسن در منطقه (دیرمان بوینو) جایی که مکان مخصوص آسیاب آبی در نظر گرفته می‌شد ساخته می‌شدند.

1. Tıracı
2. Dəyirman
3. Dəyirmançı

دانش بومی آسیاب آبی بین مردم روستای داشکسن با...، احمدی و همکاران | ۲۳۵

«از ویژگی‌های این منطقه این بود که آب رودخانه‌ای پرآب در آن جاری باشد و آب در جایی مثل آبشار از بلندی به طرف صخره یا دره‌ای سرازیر شده باشد. آسیاب آبی در دهانه این منطقه طبیعی درست می‌شد که در اغلب روستاها به درمان بویو مشهور است» (اوستا قربان، ۱۴۰۰: یادداشت ۴).

۴- انبره^۱

ناودان آسیاب که آب را با فشار به چرخ‌ها هدایت می‌کرد (بهزادی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). این واژه در اصطلاح مردم روستای داشکسن به تپه شیب‌داری که در پایین آن آسیاب و پره آن را قرار می‌دادند، گفته می‌شد.

«این تپه طوری تنظیم می‌شد که آسیاب و تمام ابزار آن در پایین تپه زیر صخره ماندنی قرار می‌گرفت. جنس این تپه در انتخاب آن مستقیماً اثرگذار بود چرا که جنس تپه با توجه به هدایت آب باید از پوشش گیاهی محکم یا پوشش سنگی سختی برخوردار بود تا فرسایش در مرور زمان کمتر اتفاق بیفتد» (صبری، ۱۴۰۱: یادداشت ۵).

۵- سوواجاق^۲، چپه‌ره^۳، نوو^۴

کلوز یا دریچه سد را می‌گویند (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۶۷۱). این واژه در اصطلاح مردم روستای داشکسن دوراهی که یک طرفش آب را به سمت پره‌های آسیاب هدایت می‌کرد و طرف دیگرش آب را به سمتی غیر از آسیاب هدایت می‌کرد، گفته می‌شد. به عبارتی هر زمان کار آسیابان به اتمام می‌رسید مسیر آب را از سوواجاق به طرف دیگر هدایت می‌کرد.

-
1. Ənbra
 2. Suvacaq
 3. Çəpərə
 4. Nov

«این مسیر طوری طراحی می‌شد که در زمان کار کردن آسیاب آب به راحتی به طرف پره‌های آسیاب هدایت می‌شد و زمانی که آسیاب از کار کردن بازمی‌ایستاد آب را به واسطه این کانال به مناطق کشاورزی هدایت می‌کردند» (حیدری، ۱۴۰۰: یادداشت ۶).

«چپه‌ره: از چوب ساخته می‌شد به صورت توری که جلوی سوواجاق تعبیه می‌شد. کاربرد این ابزار این بود که از ورود سنگ و اجسام بزرگ به داخل «نؤو» جلوگیری می‌کرد تا باعث سالم ماندن پره‌های چرخ آسیاب آبی باشد. به عبارتی عایق بود که از ورود سنگریزه‌ها به داخل پره‌ها و دستگاه‌های دیگر سیستم آسیاب جلوگیری می‌کرد» (مست‌آلی، ۱۴۰۰: یادداشت ۷).

نؤو: به معنی ناو کانال، آبریز و ناودان است (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۹۶۴). این واژه در اصطلاح مردم روستای داشکسن ابزاری است که از درخت کلفت توت یا گردو لوله‌ای تو خالی درست می‌کردند که به آن نؤو می‌گفتند.

«در مسیر رودخانه تا محل قرارگیری پره آسیاب قرار می‌دادند و آب را به وسیله آن هدایت می‌کردند به روی پره‌های چوبی آسیاب آبی» (اوستا اکبر، ۱۴۰۱: یادداشت ۸).



عکس ۵- نمونه‌ای از چوب‌های منطقه روستای داشکسن که داخل آن را در گذشته با ابزارهای دستی سستی خالی می‌کردند تا در ساختن نؤو از آن استفاده کنند.

۶- دوغوزلوق^۱

پره‌های آسیاب آبی. که در لغت ترکی آذربایجانی به معنی (خیانت و رذالت) استفاده می‌گردد. آبراهه‌ای که برای جاری شدن سریع آب بر روی پره‌های آسیاب سازند (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۵۸۴). این واژه در اصطلاح مردم روستای داشکسن به چاله اصلی پره و ساختمان آسیاب سنتی به دوغوزلوق مشهور است که نوک نؤو که بر بالای ساختمان آسیاب و روی پره آسیاب قرار می‌گرفت، درست در ابتدای آن قرار می‌گرفت. «این مکان در پایین پره آسیاب قرار می‌گرفت به خاطر همین محلی بود که نور مستقیم در آن نمی‌تابید به خاطر همین فصل تابستان جزو خنک‌ترین مکان‌های روستا به حساب می‌آمد» (عسکری، ۱۴۰۱: یادداشت ۹).



عکس شماره (۶): عکسی از داخل دوغوزلوق (عکاس: پژوهشگر. ۱۳۹۹).

۷- آغاج لوله‌سی^۱

«لوله چوبی که در نوک نؤو قرار می‌گرفت و زخامتش نسبت به نؤو کوچک‌تر بود. این کار به سبب آن بود وقتی آب هدایت شده در نؤو به نوک می‌رسید با وارد شدن به این لوله چوبی با قطر باریک‌تر شدت زیادی به خود می‌گرفت و با قدرت زیادتری روی پره‌های آسیاب می‌ریخت» (اوستا قربان، ۱۴۰۱: یادداشت ۱۰).

۸- قاناد^۲، آغاج توپو^۳، پوسک^۴

قاناد: بال. باله. بال کوچک. ضلع. پهلوی. پره. پروانه. لنگه در و پنجره. جناق. طرف. انشعاب. شاخه. دامنه خیمه (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۷۶۰). پره‌ای که از چوب درست می‌شد و تعداد آن تقریباً بین هفت تا دوازده پره بود. البته تعداد پرده‌های نسبت به مناطق روستایی و میزان آب جاری روی پره‌های متفاوت درست می‌شدند.

«آغاج توپو: معادل توپ چوبی. چوب بزرگ گردی که پره‌های آسیاب به آن وصل می‌شد و وسط آن نیز سوراخ بود» (حیدری، ۱۴۰۱: یادداشت ۱۱).

پوسک: از جنس آهن و به شکل مسطح و عرض آن بین ده تا بیست سانتی‌متر و طولش یک تا دو متر بود. این پوسک از وسط توپ چوبی که سوراخی به اندازه آن داشت می‌گذشت و در مرکز آن قرار می‌گرفت.

«این پوسک طوری در وسط توپ چوبی قرار می‌گرفت که در جای خودش محکم باشد تا عامل حرکت و گردش سنگ آسیاب گردد. به عبارتی آب با ریخته شدن بر روی پره‌های توپ چوبی حرکت می‌کرد و این حرکت چوب به اهرم آهنی پوسک وصل بود، پوسک را به حرکت وا می‌داشت» (اروجی، ۱۴۰۱: یادداشت ۱۲).

-
1. Ağac lüləsi
 2. Qanad
 3. Ağac Topu
 4. Püsk



عکس ۷- عکسی از قاناد، آغاج توپو و پوسک. لازم به ذکر است که این عکس مربوط به روستای داشکسن نیست و به خاطر شباهت آن تنها نمونه برای ارائه در این تحقیق می‌تواند باشد.

۹- آغاج دۆشک^۱، میناسیق داشی^۲

«دوشک چوبی. وسط این دوشک چوبی یک گودی درست می‌کردند و دو طرف آن را در داخل دوغوزلوق به سنگ‌های بزرگ زمین وصل می‌کردند تا هنگام کار آسیاب از جای اصلی خودش منحرف نگردد» (مست آلی، ۱۴۰۰: یادداشت ۱۳).

«میناسیق داشی: آهن گردی شبیح سنگ که در گودی توشک چوبی قرار می‌گرفت. و یک سر پوسک به آن وصل می‌شد» (اوستا اکبر، ۱۴۰۰: یادداشت ۱۴).

-
1. Ağac Döşək
 2. Minasıq Daşı

۱۰- دیرمان ائوی^۱

ساختمان آسیاب که در روی دوغوزلوق ساخته می‌شد طوری که کف ساختمان آسیاب سقب دوزدوق و پره و دیگر اجزای آسیاب آبی به حساب می‌آمد. جای سنگ آسیاب در داخل ساختمان تعبیه می‌شد.

«جنس این ساختمان با توجه به اکوسیستم روستاهای مختلف آذربایجان و اردبیل متفاوت بوده است. برای نمونه در روستاهایی که مصالح ساخت و ساز خانه‌های آنها اغلب از چوب و سنگ و گل تشکیل می‌شد، همین ابزار هم در ساخت ساختمان آسیاب استفاده می‌شد. در منطقه دیگر اگر سازه‌های خانه‌ها اغلب از آجر و... غیره ساخته می‌شد، ساختمان آسیاب هم از آجر درست می‌شد. در روستای داشکسن در گذشته دور ساختمان آسیاب‌های آبی از خشت و سنگ‌هایی از جنس سنگ آسیاب درست می‌شد، اما در دوران معاصرتر مردم این روستا در ساخت ساختمان این آسیاب‌ها از آجر هم استفاده می‌کردند» (عسکری، ۱۴۰۱: یادداشت ۱۵).



عکس ۸- نمونه عکسی از دییرمان ائوی (عکاس: پژوهشگر. ۱۳۹۹).

۱۱- توهره^۱، دییرمان داشی^۲

«از آهن ساخته می‌شد، وسط آن سوراخ می‌شد و نوک دیگر پوشک به توهره وصل

می‌شد» (اوستا قربان، ۱۴۰۱: یادداشت ۱۶).

«دییرمان داشی: سنگ آسیاب. آلت داشی: ^۳سنگ زیرین. اوست داشی: ^۴سنگ بالا»

(صبری، ۱۴۰۱: یادداشت ۱۷).

-
1. Təvərə
 2. Dəyirman Daşı
 3. Alt Daşı
 4. Üst Daşı

«از معادن روستای داشکسن تهیه می‌شد. مساحت این سنگ گرد که به دست انسان ساخته می‌شد، تقریباً یک و نیم در یک و نیم متر با زخامت تقریباً نیم‌متر بود. وسط سنگ آسیاب هم به صورت گرد توسط سنگ تراشان سوراخ می‌شد. جنس این سنگ از نوع سنگ سخت گرانیت طبیعی تراشیده می‌شد» (حیدری، ۱۴۰۰: یادداشت ۱۸).

«این سنگ‌ها دوتا بودند در شکل و اندازه شبیه هم که یکی در زیر قرار می‌گرفت و ثابت بود و دیگری در روی سنگ زیرین قرار می‌گرفت و متحرک بود. سر دیگر پوسک که از سوراخ وسط سنگ زیرین می‌گذشت، وارد سوراخ سنگ بالای می‌شد و به توه‌ره که به سنگ بالای وصل و ثابت شده بود وصل می‌گردید» (اروجی، ۱۴۰۰: یادداشت ۱۹).



عکس ۹- نمونه عکسی از دیرمان داهی روستای داشکسن (عکاس: پژوهشگر. ۱۳۹۹).

۱۲- آوازا^۱، دنلیک^۲، شینگان^۳، نودان^۴، چؤکک^۵

«چوبی که به توشک چوبی وصل می شد که فاصله دو سنگ را تنظیم می کرد. تا آسیاب گندم به دلخواه صورت گیرد. یک سر چوب به توشک چوبی وصل می شد و سر دیگر آن به سنگ بالای آسیاب وصل می گردید» (مست آلی، ۱۴۰۱: یادداشت ۲۰).
دنلیک: بذر. تخمی. غله دان. چینه دان مرغ (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۵۶۸). داخل آسیاب یک ایوان یا سکی که داخلش گودی داشت درست می شد که گندم در داخل آن ریخت می شد تا آماده رفتن به زیر سنگ آسیاب باشد. دنلیک یک پله کوتاه هم داشت.
شینگان: لوله چوبی شبیه دودکش که از دنلیک وصل می شد به روی سنگ آسیاب. دهان آن را با دستمال می بستند و هر وقت می خواستند سنگ آسیاب را به کار بگیرند، دستمال را برمی داشتند تا دانه های گندم از داخل آن که شیب ملایمی داشت وارد سنگ آسیاب گردد (عوض عمی: مصاحبه).

نودان: ناوردان. کانال (بهزادی، ۱۳۸۸: ۱۰۴۵).

«از آهن ساخته می شد و به نوک شینگان وصل می شد و تا وسط سنگ آسیاب ادامه داشت. کارش هدایت گندم به داخل سنگ آسیاب بود» (عسکری، ۱۴۰۱: یادداشت ۲۱).
چؤکک: فرورفتگی. گودال. چاله. دشت. سوراخی که برای انداختن تخم در زمین کنده باشند (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۵۰۰). شیار کوچک که در لبه سنگ زیرین آسیاب درست می شد تا آردها از یک طرف به بیرون از سنگ هدایت شود.

«برای هدایت آرد از زیر سنگ به طرف چؤکی دورتا دوره لبه سنگ بالای را با چوب می پوشاندند تا آرد از زیر سنگ به طرف اطراف پراکنده نشود و مستقیم به سمت خروجی سنگ که چؤکی نام داشت هدایت شود» (عوض عمی، ۱۴۰۰: یادداشت ۲۲).

-
1. Avaza
 2. Dənlik
 3. Şingan
 4. Nödan
 5. Çökək

۱۳- اونلیق^۱، کورک^۲، چاناق^۳

«از چوب ساخته می‌شد و انبارکی بود که در زیر چؤکی سنگ زیرین آسیاب قرار می‌گرفت تا آرد از داخل سنگ به درون آن هدایت گردد» (اروجی، ۱۴۰۱: یادداشت ۲۳). کورک: پارو. پشت. دوش. قفا. فعل کورومک پارو کردن (بهزادی، ۱۳۸۸: ۹۰۵). پاروی چوبی که از چوب ساخته می‌شد و از آن برای استفاده از جمع کردن آرد در چووال یا گونی استفاده می‌شد.

چاناق: ده چرک. تقریباً پانصد مترمربع. کاسه. لاک. کاسه سفالی. ظرف چوبی. بدنه کشتی. کاسه تار. لکن خاصره. کاسبرگ. رسم همیاری برای جمع‌آوری محصول. رکاب. ضعیف. لاغر. پیمانه‌ای است از ساقه درخت که به بلندی دو وجب است، دال ساقه را خالی کردن و زیر آن تخته صافی می‌گذارند. هر دو چاناق را یک کؤووز^۴ می‌نامند (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۴۸۲).

«از چوب ساخته می‌شد و ابزاری بود برای واحد اندازه‌گیری گندم در آسیاب که معادل بود با ۱۲ گیروانکه^۵. هر دو گیروانکه و نیم معادل یک کیلو گرم امروزی می‌باشد» (صبری، ۱۴۰۱: یادداشت ۲۴).

۱۴- دنگنه^۶، شاهد^۷، مولک‌هاوا^۸

ظرف سفالی کوچک به شکل کاسه (بهزادی، ۱۳۸۸: ۵۷۱). ظرف سفالی که آسیابان در مقابل هر چاناق گندم یک دنگنه گندم به‌عنوان حق‌الزحمه آسیابانی برمی‌داشت. یک دنگنه نیم کیلو گندم ظرفیت داشت.

-
1. Unliq
 2. Kūrək
 3. Çanaq
 4. Kōuuz
 5. Girvankə
 6. Dəngənə
 7. Şahad
 8. Mülkhava

دانش بومی آسیاب آبی بین مردم روستای داشکسن با...، احمدی و همکاران | ۲۴۵

شاهد: مزد آسیابان (شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۶۹۴). حق الزحمه‌ای که آسیابان از گندم صاحب گندم برای خودش برمی‌داشت به این عمل شاهد می‌گفتند.

«مولک‌هاوا: مشارکت در ساختن و راه‌اندازی و حق کارکرد صنعت آسیاب را مولک‌هاوا می‌گفتند. فلسفه این مالکیت اجتماعی در ساخت آسیاب آبی بین مردم روستا این بود که مردم همه در سهم این کارخانه کوچک اما حیاتی زندگی خود سهیم باشند و فردا روز کسی با تصرف و مالکیت کامل آن نتواند به مردم زور بگوید. برای این عمل در روستا حتی خان‌ها و افراد ثروتمند مالکیت آسیاب آبی را نمی‌توانستند مخصوص خود و خانواده خود بردارند، باید طبق قانون و قرارداد اجتماعی روستا با خانواده‌های و طایفه‌های دیگر روستا سهیم می‌شدند» (اوستا اکبر، ۱۴۰۰: یادداشت ۲۵).



عکس ۱۰- نمونه‌ای از سنگ‌های آسیاب داخل غار سنگ‌تراشی روستای داشکسن مشکین شهر (عکاس: پژوهشگر. ۱۳۹۹).



عکس ۱۱- راوی رحیم اروجی ۸۰ ساله از روستای داشکسن مشکین شهر (عکاس: پژوهشگر. ۱۳۹۹).

جدول ۱- مصاحبه‌ها

نام و نام خانوادگی مصاحبه شونده	سن	شغل	نام روستا	ملاحظات
اوستا قربان	۶۹	سنگ تراش	روستای داشکسن	
مشدی علی عسکری	۸۲	آسیابان	روستای داشکسن	
ایوب صبری	۶۵	سنگ تراش	روستای داشکسن	
فرج حیدری	۶۳	سنگ تراش	روستای داشکسن	
رحیم اروجی	۸۰	آسیابان	روستای داشکسن	
اوستا مست آلی	۶۷	سنگ تراش	روستای داشکسن	
اوستا اکبر	۶۶	سنگ تراش	روستای داشکسن	
امامعلی خدایی	۷۰	سنگ تراش	روستای داشکسن	
میرزاعلی خدایی	۶۵	سنگ تراش	روستای داشکسن	

روح الله یعقوب زاده	۹۵	آسیابان	روستای داشکسن
محمدعلی یعقوب زاده	۶۸	سنگ تراش	روستای داشکسن
شوکور صادقی	۷۹	سنگ تراش	روستای داشکسن
محمد بخشی	۸۸	آسیابان	روستای داشکسن
ابوب فضل الهی	۸۵	آسیابان	روستای داشکسن
محبوب فضل الهی	۹۱	آسیابان	روستای داشکسن

نتیجه گیری

۱- چنانچه می دانیم دانش بومی تجربیاتی است که در مدت زمان طولانی زندگی انسان به شکل شفاهی و سینه به سینه انتقال می یابد. حال با پیشرفت سریع تکنولوژی و علوم مختلف و عدم نیاز انسان به دانش های بومی باعث فراموشی آن و در نهایت نابودی این دانش ارزشمند تاریخ زندگی بشر می گردد. این پژوهش میدانی با هدف شناسایی و حفظ دانش های بومی ارزشمند کارش را شروع کرده است. همچنین در این پژوهش سعی شده علاوه بر معرفی دانش بومی مردم داشکسن مشکین شهر و ارتباط آن با صنعت گردشگری و در نهایت توسعه روستایی، این دانش های بومی را حفظ کرده و آن را به عنوان یک میراث فرهنگی به دیگر مناطق و دیگر فرهنگ ها معرفی نماید.

۲- در این پژوهش بر اساس نظریه نیازهای مالینوفسکی در مکتب کارکردگرایی، صنعت آسیاب آبی سنتی و دانش بومی دیرمانچلیق هم نیازهای بیولوژیکی مردم روستای داشکسن و هم نیازهای فرهنگی این مردم را تأمین می کند. به عبارتی مسئله اقتصاد و آورده های مالی در احیائی این صنعت و دانش بومی نیازهای بیولوژیکی این مردم را فراهم و باعث توسعه اقتصادی روستاها می گردد. از طرفی هم مسئله فرهنگ و استفاده از نشانه ها و نمادها روی این صنعت پاسخگوی نیازهای فرهنگی مردم این روستاهاست و باعث توسعه گردشگری و صنعت توریسم در این منطقه خواهد شد.

۳- کارکرد آشکار این صنعت و دانش بومی خودش را در زندگی روزمره مردم روستای داشکسن که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است به عنوان دانش های بومی خاص این منطقه در کسب درآمد و رونق اقتصادی خانواده های این روستاها به خوبی نشان

می‌دهد. برای نمونه ایجاد فرصت شغلی که برای خانواده‌های این روستا در کارگاه‌های مختلف سنگ‌تراشی و حتی محیط آسیاب‌های آبی سنتی به وجود می‌آید که باعث توسعه اقتصادی می‌گردد را می‌توان از کارکردهای آشکار این دانش‌های بومی معرفی کرد. همچنین تنوع و زیبایی هنری و سنتی این دانش بومی باعث می‌گردد که کارکرد پنهان این دانش‌های بومی که همان جذب گردشگر و توریسم به این روستاها و در نهایت سبب توسعه فرهنگی است، خودش را بیش‌ازپیش نشان دهد.

۴- بر اساس نظریه ساختارگرایی می‌توان نتیجه گرفت که ساختار آسیاب آبی سنتی در دانش بومی مردم روستای داشکسن هم می‌تواند ساختار بیرونی و هم می‌تواند ساختار درونی داشته باشد. ساختار بیرونی که ساختار فرمی این دانش بومی را شامل می‌گردد، می‌تواند در صنعت گردشگری وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ برای دیگران باشد و داشته‌های صنایع دستی مردم این روستا را روزبه‌روز توسعه بخشد. ساختار درونی هم در معرفی صنایع دستی سنگ‌تراشی که در زندگی روستایی به کار می‌رود و نیز بازتولید عناصر سنتی زندگی در رونق صنعت گردشگری و توسعه آن، فراتر از جغرافیای فرهنگی مردم این روستا نقش اساسی می‌تواند داشته باشد.

۵- توسعه گردشگری با رویکرد آسیاب‌های آبی سنتی علاوه بر کارکرد اقتصادی، کارکرد فرهنگی و هویتی هم در جامعه روستایی دارد. به عبارتی ارتباط زندگی مردم این روستا با مسئله محیط‌زیست و استفاده درست از آب و بهره‌وری سبز در استفاده از آب کشاورزی و حتی آب آشامیدنی در امر توسعه دانش بومی در قالب توسعه گردشگری در این روستا، می‌تواند هویت جهانی جدیدی به جامعه سنتی ببخشد.

۶- مشکلات اساسی این تحقیق در گام نخست ضبط مصاحبه‌ها بود، چرا که افراد انتخاب‌شده برای مصاحبه‌ها اغلب افرادی بودند که سنشان بالای ۷۰ و ۸۰ سال به بالاست که خستگی ذهن و کهنولت فیزیکی باعث کندتر شدن روند مصاحبه می‌گردید. گام دوم هزینه بالای سفرها و عدم اسکان در روستای کوهپایه‌ای داشکسن باعث می‌شد که تمرکز و وقت کافی برای مصاحبه‌های مکمل و یادداشت‌های کاملاً دقیق فراهم نگردد. گام سوم جامعه سنتی اهالی روستا بود، چرا که این گروه جامعه در روستا علی‌رغم آشنایی قبلی و

ورود حرفه‌ای به جامعه آنها باز مثل مردم روستاهای بزرگ و شهرها نمی‌توانستند مصاحبه‌های آزاد و بدون محدودیت زمانی داشته باشند.

۷- حفظ و پاسداشت دانش بومی مردم روستای داشکسن و نیز رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی این مردم، توسعه گردشگری با محوریت صنعت آسیاب آبی مردمان این روستاها می‌تواند پیشنهاد پژوهشی این پژوهش میدانی باشد.

سپاسگزاری:

تقدیر و تشکر ویژه از اساتید راهنما جناب آقای دکتر وحید رشیدوش و جناب آقای دکتر یعقوب شریتیان که در به ثمر نشستن این مقاله نهایت تلاش و کوشش را انجام دادند و همچنین تقدیر و تشکر فراوان از مسئولان و داوران فرهیخته دو فصلنامه وزین دانش‌های بومی ایران.

تعارض منافع:

به موجب این توافق‌نامه، نویسنده مسئول از جانب سایر نویسندگان مقاله اعلام می‌کند که در رابطه با انتشار مقاله ارائه شده به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت علمی / ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و در این راستا منافع تجاری وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند. این فرم نشان می‌دهد که متن مقاله چگونه توسط نویسندگان تهیه و ارائه شده است. هم‌چنین نویسنده مسئول از جانب سایر نویسندگان اعلام می‌دارد که این اثر قبلاً در جای دیگری منتشر نشده، هم‌زمان به نشریه دیگری ارائه نگردیده و کلیه حقوق استفاده از محتوا، جداول، تصاویر و ... به ناشر محول گردیده است.

ORCID

Ammar Ahmadi



<http://orcid.org/0009-0008-7879-1937>

Vahid Rashidvash



<http://orcid.org/0000-0002-8310-6411>

Yaghoub Sharbatian



<http://orcid.org/0000-0002-0808-1146>

منابع

- احمدش، رشید و دانش مهر، حسین. (۱۳۹۴)، دانش بومی و توسعه (بینش و روش در مطالعه دانش بومی)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۴)، توسعه پایدار روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۹)، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- بوذرجمهری، خدیجه. (۱۳۸۲)، «جایگاه دانش بومی در توسعه روستایی پایدار»، مجله جغرافیا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۷: ۲۰-۵.
- بوذرجمهری، خدیجه. (۱۳۸۴)، «تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه روستایی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال اول، شماره ۱: ۴۵-۱۷.
- پورایمان، قاسم. (۱۳۸۰)، مشکین شهر نگین سبز آذربایجان، تهران: انتشارات مشیری، چاپ اول.
- جدی، منصور. (۱۳۹۹)، نام‌ها و نامیده‌های جغرافیایی منطقه اردبیل، اردبیل: انتشارات سپهر فروزان، چاپ اول.
- ساکس، جفری. (۱۳۹۴)، عصر توسعه پایدار، ترجمه: علی نصیری اقدام و همکاران، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران، چاپ اول.
- عمادی، محمدحسین و امیری اردکانی، محمد. (۱۳۸۱)، «تلفیق دانش بومی و دانش رسمی؛ ضرورتی در دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۳۷: ۳۶-۱۰.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۲)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: انتشارات نی، چاپ دوم.
- مور، جری دی. (۱۳۹۱)، زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی، ترجمه: هاشم آقاییگ پوری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- نجفی پور، امیرعباس. (۱۳۹۸)، اکوتوریسم و توسعه پایدار گردشگری روستایی، تهران: انتشارات نور علم، چاپ اول.
- همزه‌ای، فریبرز. (۱۳۹۶)، هورامان، جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی، چاپ اول.

استناد به این مقاله: احمدی، عمار؛ رشیدوش، وحید و شریعتیان، یعقوب. (۱۴۰۳). دانش بومی آسیاب آبی بین مردم روستای داشکسن با تأکید توسعه و گردشگری. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱۱(۲۲)، ۲۱۲-۲۵۰.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.